بسم الله الرحمن الرحیم

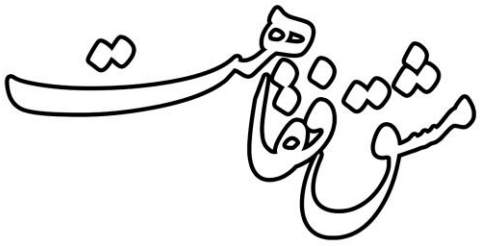
مشق فقاهت

دوفصلنامهٔ علمی ـ تخصّصی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

صاحب امتیاز: **مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم‌السلام**
مدیر مسئول: **محمدرضا فاضل کاشانی**
سردبیر: **محمدعلی قاسمی**
مدیر تحریریّه: **حامد اسدی**

هیئت تحریریّه (به ترتیب حروف الفبا):
علی اسلامی‌فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی
حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی
محمّدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی

مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین
ویراستار: مجتبی شیخی
مترجم (انگلیسی) و (عربی): مجتبی شیخی
طرّاح جلد: حمیدرضا پورحسین
صفحه‌آرا: صفرعلی اخلاقی

نشانی: قم، میدان معلّم، مرکز فقهی ائمّه اطهار علیهم‌السلام، دفتر دوفصلنامهٔ مشق فقاهت
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ـ۰۲۵ ـ دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ـ۰۲۵
قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

Criteria for Identifying Intention-Dependent Legal Categories

Mohammad Hossein Shafiei [1]
Abolfazl Razi [2]

Abstract

Compliance with legal rulings depends on the full realization of their subject matter. If the subject matter is not realized with all its requisite conditions, the obligation remains in force and must be fulfilled in its entirety. For certain kinds of subject matter, the legally accountable person's intention constitutes a condition of their realization. If that person performs the act without awareness or intention, the obligation is not discharged, even if all other constituent elements and conditions are fulfilled. Accordingly, intention-dependent legal categories (*al-ʿanāwīn al-qaṣdiyyah*) comprise those categories whose realization requires intention and awareness. In jurisprudential terminology, intention takes several forms, including *qaṣd al-qurbah* (the intention to seek proximity to God), *qaṣd al-tamyīz* (the intention to distinguish the act from other acts), *qaṣd al-fiʿl* (the intention to perform the act), and *qaṣd al-wajh* (the intention to perform the act as obligatory or recommended). This study examines the criteria for identifying intention-dependent legal categories and addresses how to determine whether the realization of a given subject matter is contingent upon intention. Through a library-based analytical study of jurists' differing views, it identifies three general criteria and methods for recognizing such categories: similarity, explicit lexical specification, and clarification through the evidence establishing the ruling. The article explains these criteria and examines the objections raised against them.

Keywords: intention-dependent legal categories; subject matter of legal obligation; intention to perform the act; intention to seek proximity to God; criteria for identifying legal categories.

سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

1. Corresponding author; Level Two student at the Aʾimma Aṭhār Jurisprudence Center; Mohammadsh8175@gmaii.com
2. Instructor of advanced-level seminary courses; abolfazlrazi65@gmail.com

دوفصلنامهٔ علمی ـ تخصّصی
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۴۰۵)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

ملاک تشخیص عناوین قصدیه

محمد حسین شفیعی[۱]
ابوالفضل رضی[۲]

چکیده

امتثال احکام شرعی در گرو تحقق کامل موضوع حکم است. اگر موضوع با جمیع شرایط محقق نشود، تکلیف کماکان ثابت است و امتثال آن بر وجه تام لازم است. برخی از موضوعات به‌گونه‌ای هستند که قصد مکلف از جمله شرایط تحقق آن‌ها به شمار می‌آید. اگر مکلف آن فعل را بدون توجه و قصد انجام دهد، حتی در صورت اتیان سایر اجزا و شرایط، تکلیف از او ساقط نمی‌شود. به این ترتیب، عناوین قصدیه به آن دسته از موضوعاتی اطلاق می‌شود که تحقق آن‌ها به قصد و توجه نیاز دارد. قصد در ادبیات فقهی گونه‌های مختلفی دارد و شامل «قصد قربت»، «قصد تمییز»، «قصد فعل» و «قصد وجه» می‌شود. این پژوهش ملاک‌های تشخیص عناوین قصدیه را بررسی می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است که از چه طریقی می‌توان تشخیص داد تحقق موضوع مورد نظر منوط به قصد است یا خیر. با مطالعه دیدگاه‌های مختلف فقها و به روش تحلیلی ـ کتابخانه‌ای، سه ملاک کلیِ مشابهی‌بودن، تصریح لغت و تبیین دلیل حکم، به‌عنوان ملاک‌ها و طرق کشف عناوین قصدیه مطرح می‌شود. این مقاله به تبیین این ملاک‌ها و اشکالات آن‌ها می‌پردازد.

واژگان کلیدی: عناوین قصدیه، موضوع تکلیف، قصد فعل، قصد قربت، ملاک‌های تشخیص عناوین.

---

۱. نویسنده مسئول دانش پژوهش سطح دو مرکزفقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام Mohammadsh8175@gmaii.com
۲. استاد سطح عالی حوزه علمیه، abolfazlrazi65@gmail.com

مقدمه

در شریعت اسلامی، احکامی وجود دارد که تحقق موضوع آن‌ها بـه قصـد مکلـف وابسته است. به این معنا که مکلف باید قصـد مشخصـی داشـته باشـد تـا موضـوع محقق و حکم امتثال شود. به عبارت دیگـر، قصـد مکلـف جزئـی از موضـوع ایـن احکام به شمار می‌آید.

برخی از فقها در باب عباداتی مانند نماز قضا معتقدند که ایـن امـور از عنـاوین قصدیه‌اند؛ بدین معنا که ادا یا قضا بودن نماز زمانی محقق می‌شود که مکلف انجام آن را به‌عنوان ادا یا قضا قصد کند (خوئی، ۱٤۱۸، ج۱، ص۲٦۰).

همچنین در باب معاملات نمونه‌هایی وجود دارد که فقها در آن‌ها قصد و توجه را از شرایط ترتب حکم می‌دانند؛ برای مثال، در باب غش درمعامله برخی اینگونه بیان کرده اند که چنانچه بایع به قصد غش در معامله کالا به صورتی بـه مشـتری عرضـه کند که ظاهر و باطن آن با یکدیگر سـازگار نباشـد احکـام آن جـاری می‌شـود و الا چنانچه به این قصد نباشد و به صورت اتفاقی کالا به غیر از صورت واقعی خـودش در نظر مشتری باشد در این صورت حکم مترتب بر این معامله متفاوت خواهد شـد (انصاری، ۱٤۱۵، ج۱، ص۲۸۰).

مثال دیگر، مسئله وقف است. قصـد واقـف در تعیـین ماهیـت دائمـی وقـف و روشن‌بودن نیت او اهمیت دارد. واقف باید به‌روشنی قصد کند که ملک خود را وقف قرار دهد. اما اگر عمل او صرفاً بخشش باشد و نیت وقف در کار نباشد، نمی‌توان آن را وقف تلقی کرد.

در اینجا مسئله مهمی مطرح می‌شود که این پژوهش آن را بررسی می‌کند: معیار تشخیص عناوین قصدیه چیست؟ چه عنوانی در شمار عناوین قصدیه قرار می‌گیرد و کدام فعل از این عناوین نیسـت؟ چـرا در مسـئله‌ای واحـد، برخـی فقهـا آن را ذیـل عناوین قصدیه می‌آورند و برخی دیگر چنین نمی‌کنند؟

محور این پژوهش، معیارهایی است که بر اسـاس آن‌هـا بتـوان چنـین تفکیکـی انجام داد. مسئله قصد در کتاب‌های اصولی و فقهی به‌صورت پراکنـده مطـرح شـده است؛ اما پژوهشی متمرکز درباره راه کشف عناوین قصدیه یافـت نشـد. بـا بررسـی

موارد مختلف و مطالعه دیدگاه‌های فقها درباره قصد، ملاک‌هایی به دست می‌آید که به‌طور کلی برای تشخیص این عناوین کارساز است. نتیجه این پژوهش می‌تواند در دسته‌بندی موضوعات احکام و تبیین دقیق شرایط آن‌ها مؤثر باشد.

۱. تعریف قصد

۱ـ۱. قصد در لغت

این واژه و مشتقات آن در قرآن به معنای راست، متوسط و معتدل به کار رفته است؛ برای مثال، در آیه ۹ سوره نحل آمده است: ﴿**وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَائِرٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ**﴾. همان‌گونه که مرحوم علامه طباطبایی نیز فرموده‌اند، معنای آیه این است که نشان‌دادن راه راست به بندگان و فراهم‌کردن اسباب آن بر عهده خداوند است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۲، ص ۲۱۲). در کتاب‌های لغت، مانند قاموس القرآن (قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، ج ٦، ص۹)، **لسان العرب** (محمد بن مکرم، ١٤١٤، ج۳، ص۳۵۳) و **المحکم و المحیط** (ابن سیدة، ١٤٢١،ج٦، ص١٨٥) نیز برای این واژه معنایی این‌چنینی ذکر شده است.

مشق مهارت
سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

«قصد» در زبان عربی استعمالات متعددی دارد. در عمومی‌ترین استعمال، به معنای توجه به عمل و اقدام است. به عبارت دیگر، قصد مرحله نهایی اراده و نزدیک‌ترین حالت به عمل است. بنابراین، اصل و ریشه معنایی این واژه، توجه به عمل و اقدام به آن است و معانی دیگری که درباره آن ذکر شده، از لوازم و آثار مترتب بر این اصل محسوب می‌شود (مصطفوی، حسن، ١٣٨٦، ج ۹، ص ٢٦٩).

۲ـ۱. قصد در اصطلاح

قصد در اصطلاح فلسفی، انجام فعل با اراده جدی است که به فعل خارجی می‌انجامد. اما در اصطلاح فقهی، گاه در معاملات به معنای توجه آگاهانه متعاقد به مدلول عقد و انشای آن است؛ به‌گونه‌ای که هنگام اجرای صیغه، مفاد عقد را ملتفت باشد و تحقق آن را اراده کند (انصاری، ١٤١٥، ج ۳، ص ۲۹۵). گاه نیز در عبادات، به معنای اراده جزمی نسبت به انجام فعل به کار می‌رود. بر این اساس، قصد در فقه ناظر به مرحله انشا و تعلق اراده به مدلول عقد است؛ در حالی که اراده

بیشتر به حیث نفسانی و منشأ درونی فعل مربوط می‌شود. به تعبیر دیگر، اراده زمینه و منشأ تحقق قصد است و قصد، جهت‌گیری آگاهانـه اراده به‌سـوی مـدلول خـاص عقد است.

۳ـ۱. عنوان قصدی

آنچه حصولش بر قصد متوقف باشد، عنوان قصدی نامیده می‌شود؛ ماننـد روزه کـه تحقق آن با قصد صورت می‌گیرد. صرف امساک از اکل، شـرب و دیگـر مفطـرات، بدون قصد روزه شرعی، موجب صدق صیام نمی‌شود.

برخی از اندیشمندان، عنوان قصدی را چنین تعریف کرده‌اند: «عنـاوین قصـدیه آن عناوینی هستند که مرکب از اعتبار و قصدی باشـند کـه منتـزع از امـور واقعـی و خـارجی اسـت» (منتظـری، حسـینعلی، ۱۳۸٤، ص ۳٦۲؛ انصـاری، محمـدعلی، ۱٤۱۵، ج ۲، ص٤٦۷؛ بروجردی، حسین، ۱٤۱۵، ج ۵، ص ۸).

۲. اقسام قصد

مشق فقاهت
سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

قصد، به معنای اراده و توجه به عمل، گونه‌های مختلفی دارد کـه در اینجـا بـه آن‌هـا اشاره می‌شود.

۱ـ۲. قصد فعل

قصد جدی برای تحقق و انجام فعل را «قصد فعل» می‌گویند. این قصد، مختاربودن شخص را در برابر انجام جبری عمل مشخص می‌کند (انصاری، محمدعلی، ۱٤۱۵، ج ۱۱، ص ٤۷۰). برای مثال، کسی که در خواب الفاظی را به کار می‌برد، قصد فعـل نـدارد. همچنین، در قتل عمد، زمانی عنوان قتل عمد صادق است که شـخص اراده جـدیِ کشتن مقتول را داشته باشد؛ برخلاف قتل خطـایی کـه در آن شـخص قصـد کشـتن مقتول را ندارد، هرچند نتیجه فعل او کشته‌شدن فـردی دیگـر باشـد (صـاحب جـواهر، ۱٤۱۷، ج٤، ص٦۹۸).

برخی، مانند مرحوم آشتیانی، معتقدند کـه «قصـد فعـل» محـور اصـلی بحـث عناوین قصدیه است (آشتیانی، محمدحسن بن جعفر، ۱٤۰۳، ج۱، ص٤۷).

۲ـ۲. قصد قربت

در برخی امور، مکلف باید عمل را با قصد قربت انجام دهد. در این صورت، مراد از قصد، قصد امر، امتثال امر یا قصد محبوبیت عمل نزد مولاست. لزوم این قصد در افعال عبادی مطرح می‌شود؛ زیرا عبادت به قصد قربت نیاز دارد (مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷، ص ۸۷).

اینکه در کدام‌یک از تکالیف شرعی قصد قربت لازم است، مسئله مهمی است که از جهت ثبوتی در علم اصول و از جهت اثباتی در علم فقه بررسی می‌شود. در علم اصول بیان شده است که عبادات به قصد قربت نیاز دارند، برخلاف معاملات که منوط به قصد قربت نیستند (مظفر، اصول فقه، ص ۸۵ و ۸٦). کیفیت اشتراط قصد قربت در اوامر عبادی نیز بحث دیگری است که در علم اصول مطرح می‌شود. اما از جهت اثباتی و بررسی ادله عبادات، علم فقه متکفل این مسئله است.

۳ـ۲. قصد تمییز و تعیین

نوع دیگر قصد، قصد تمییز است که از آن به «قصد تحقق فعل مامور به بعنوان اینکه این فعل بخصوصه و معیناً ماموربه مولی است نه اینکه ابهامی در اصل مامور به بودن فعل باشد» تعبیر می‌شود (بروجردی، حسین، ۱٤۱۵، ج ۲، ص ٤۳۰).

برخی از اندیشمندان، «قصد تمییز» را مقصود بحث در عناوین قصدیه دانسته‌اند؛ بدین معنا که اگر مأموربه چند فرد مشابه داشته باشد، فعل از عناوین قصدیه است و قصد تمییز برای تفکیک میان مشابهات اعتبار دارد. در این صورت، مأموربه باید با قصد خاص بر معنون خارجی تطبیق کند.

برای مثال، نماز ظهر و عصر در ظاهر با یکدیگر تشابه دارند؛ اما برای خواندن هر یک باید آن را به‌خصوصه قصد کرد تا از دیگری متمایز شود. بنابراین، امتثال هر یک به قصد تمییز یا تعیین نیاز دارد (روحانی، محمدصادق، ۱٤۳٤، ص ۳۹٤).

اما ظاهراً این سخن تمام نیست؛ زیرا نسبت میان قصد تمییز و قصد در عناوین قصدیه، عموم و خصوص من‌وجه است. در برخی موارد، مانند تعیین نماز ظهر یا جمعه، قصد تمییز لازم است؛ اما این امور از عناوین قصدیه‌ای نیستند که تحقق آن‌ها به قصد وابسته باشد. در مقابل، مواردی نیز وجود دارد که تحقق عنوان به قصد

آن عنوان نیاز دارد، اما قصد تمییز لازم نیست؛ مانند تحقق عنوان اعانه بر اثم.

۴ـ۲. قصد وجه

قصد وجه، قصد و توجه به کیفیت تعلق تکلیف به عمل است: آیا مأموربه واجب است که در این صورت عمل باید با قصد وجوب انجام شود، یا مستحب است که باید با قصد استحباب امتثال شود؟ (آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱٤۰۹، ص۳٦٥). نمونه این بحث در عبادات دیده می‌شود. برخی از علما قصد وجه را در عبادت لازم می‌دانند؛ برای مثال، مرحوم شهید ثانی فرموده است که در وضو، مکلف باید هنگام شستن صورت مشخص کند که وضو را با چه وجهی انجام می‌دهد: برای نماز مستحب یا برای نماز واجب (شهید ثانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۳۳).

البته از آنجا که لزوم قصد وجه تنها نزد قدما و برخی متأخران مطرح بوده است و عالمان متأخر، قائل به وجوب چنین قصدی نیستند، این احتمال که مراد از قصد عنوان در عناوین قصدیه، قصد وجه باشد، جایگاهی ندارد.

۳. ملاک‌های قصدیه‌بودن عناوین

سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

همان‌طور که گذشت، در برخی تکالیف، امتثال امر مولا به قصد آن فعل نیاز ندارد و حتی بدون قصد نیز امتثال محقق می‌شود. اما در برخی دیگر، قصد عنوان عمل برای امتثال امر لازم است و تحقق عنوان در خارج بر قصد توقف دارد.

اگر شک شود که مأموربهی از عناوین قصدیه است یا خیر، چه ملاک‌هایی برای تفکیک و تشخیص مسئله وجود دارد؟ در این مرحله از تحقیق به این ملاک‌ها اشاره می‌شود.

۱ـ۳. مشابهی بودن

اگر فعلی در خارج مشابهاتی داشته باشد، برای تحقق و ترتب آثار آن، وجود قصد خاص ضروری است. امری که به عناوین مشترک تعلق می‌گیرد، برای امتثالش به نیت فردی خاص نیاز دارد. البته مقصود از این نیت، قصد قربت، مانند قصد امر یا قصد محبوبیت، نیست که فارق میان تعبدی و توصلی باشد؛ بلکه مقصود، نیت انجام خود عنوان بما هو مأموربه است. یعنی مکلف قصد کند که رکوع و سجود او

اجزای لازم نماز است، نه چیزی دیگر؛ یا مقصود او از افعال خاص، نماز قضاست، نه مشابهات آن. این قصد برای تحقق عنوان در خارج و امتثال امر مولا لازم است. همچنین، موارد عناوین قصدیه اعم از تعبدیات و توصلیات‌اند؛ زیرا قصد عنوان با قصد قربت تفاوت دارد.

نمونه عرفی و طبیعی این مسئله، قیام است که می‌تواند با عنوان‌های مختلفی، نظیر «تعظیم» یا «تحقیر»، انجام شود. اگر شخصی بخواهد قیامی به عنوان تعظیم انجام دهد، باید آن را با قصد و نیت تعظیم به جا آورد. صرف انجام عمل بدون نیت نمی‌تواند به تحقق عنوان تعظیم منجر شود.

این موضوع در برخی معاملات شرعی نیز جریان دارد. اگر شخصی بخواهد مالی را بفروشد یا صلح کند، صرف گفتن کلمات «بعت» یا «صالحت»، بدون قصد حقیقت بیع و صلح، نمی‌تواند به اعتبار عمل منجر شود.

در عباداتی مانند نماز، صرف انجام حرکات و اقوال کافی نیست و باید نیت خاصی وجود داشته باشد. ازاین‌رو، اگر مکلف قیام و رکوع کند و نیت نماز نداشته باشد، عمل او نماز به شمار نمی‌آید. همچنین، در تمایز میان نماز ادا و قضای صبح، شخص باید نیت خود را مشخص کند؛ زیرا تحقق هر یک از این عناوین به قصد خاص نیاز دارد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق هر عنوان قصدی در خارج، به‌طور کلی به وجود قصد وابسته است. این مطلب اهمیت نیت و اراده شخص را در انجام عملی که آثار حقوقی یا فقهی دارد، نشان می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان اصلی بنیادین در فقه اسلامی و حقوق مدنی مورد توجه قرار گیرد.

در کلمات آیت‌اللّه بروجردی، مثال‌هایی برای عناوین قصدیه مطرح شده است که عموماً به فعل خارجی نوعی مربوط‌اند؛ بدین معنا که فعل، موارد مشابه دارد. ایشان می‌فرمایند در مواردی که یک فرد از افراد عنوان بر افراد دیگر نیز منطبق است، مانند نماز ادا و قضا، قصد برای تحقق آن لازم است. به عبارت دیگر، وقتی به معنون این عنوان توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که این عنوان در خارج با عنوان دیگری مشابهت ظاهری دارد؛ ازاین‌رو، برای تفکیک میان آن‌ها و تحقق عنوان خاص، قصد لازم است.

در هر موردی که چنین وضعی وجود داشته باشد، تحقق عنوان در خارج، به دلیل وجود عنوان مشابه، به قصد عنوان مخصوص نیاز دارد تا آن عنوان محقق شود (بروجردی، حسین، ۱٤۲٦، ج ۵، ص ۱۰ تا ۱۳).

اشکالات این نظریه

آیت‌اللّه سیدمصطفی خمینی به این نظریه یک اشکال نقضی و یک اشکال حلی وارد کرده‌اند.

اشکال نقضی این است که اگر شخصی نماز ظهر خود را خوانده باشد و تنها یک نماز عصر بر عهده او باشد و هیچ نماز قضای چهاررکعتی دیگری نیز نداشته باشد، بنابر این مبنا نباید قصد نماز عصر لازم باشد؛ زیرا صرف خواندن نماز چهاررکعتی کفایت می‌کند. بااین‌حال، قائلان به این نظریه خود این حکم را نمی‌پذیرند.

ایشان در مقام اشکال حَلّی چنین گفته‌اند:

ادله‌ای که در مثال روزه ماه مبارک رمضان بر وجوب دلالت می‌کنند و می‌گویند روزه دیگری در این ماه نیست، در واقع امر می‌کنند که روزه‌گرفتن در این ماه به قصد روزه ماه مبارک رمضان فریضه است. بنابراین، اگر شخص در ماه مبارک رمضان به قصد مطلق روزه، روزه بگیرد، نمی‌توان گفت چون روزه در ماه رمضان منحصر است، همین مقدار کفایت می‌کند؛ بلکه طبق دلیل، باید قصد روزه رمضان داشته باشد. با توجه به این مطلب، می‌توان دریافت که در همه موارد، صرف مشابهت ملاک قصدیه‌بودن عناوین نیست؛ بلکه دلیل این مسئله را تبیین می‌کند (خمینی، مصطفی، ۱۳۷٦، ص ٤۵ تا ٤۹).

البته اشکال نقضی و حلیِ بیان‌شده از سوی آیت‌اللّه سیدمصطفی خمینی، سخن مرحوم آیت‌اللّه بروجردی را به‌طور کامل نقض نمی‌کند. در مواردی که دلیل حکم بر لزوم قصد دلالت ندارد، یکی از راه‌های تشخیص لزوم قصد عنوان، مشابهی‌بودن فعل است؛ زیرا برای تحقق فعل مأموربه، مکلف باید عنوان مشخص آن را قصد کند.

۲ـ۳. رجوع به لغت

یکی دیگر از راه‌های کشف کیفیت مأموربه و تشخیص قصدیه‌بودن یا نبودن آن، رجوع به قول لغوی است. بدین صورت که باید مأموربه را از جهت لغوی بررسی کرد: آیا متفاهم از معنا، با توجه به ظهور و تبادر آن، فعلی است که قصد جزئی از آن به شمار نمی‌آید؟ در این صورت، فعل از عناوین قصدیه نیست. یا اینکه متفاهم عرفی از فعل به‌گونه‌ای است که قصد جزئی از آن محسوب می‌شود؟ در این صورت می‌توان دریافت که فعل از عناوین قصدیه است.

اشکال به این نظریه

اشکالی که به این ملاک به نظر می‌رسد، عدم جامعیت آن است؛ زیرا در امور مربوط به حقایق شرعیه یا مخترعات شارع، حقیقت شیء باید از سوی شارع بیان شود و با مراجعه به ادله بررسی شود که قصد جزو تحقق شیء است یا خیر. البته در برخی موارد، مانند معاملات بالمعنی‌الأخص که امضایی‌اند، می‌توان حقیقت عرفی آن‌ها را با رجوع به قول لغوی کشف کرد و دریافت که برای تحقق آن‌ها قصد لازم است یا نه؛ اما همه اوامر از این جنس نیستند.

۳ـ۳. رجوع به ادله

راه دیگری که می‌تواند به‌عنوان طریق شناسایی عناوین قصدیه مطرح شود، رجوع به ادله است. هر عنوان شرعی را باید با توجه به دلیل آن بررسی کرد. اگر دلیل، قصد تحقق عنوان را شرط بداند، کشف می‌شود که آن مورد از عناوین قصدیه است.

در مسئله فروش انگور به کسی که آن را به شراب تبدیل می‌کند، روایتی وارد شده است که قصد فروشنده را در تعیین اعانه بر اثم‌بودن، ملاک می‌داند:

عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ﵇ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ كَرْمٌ أَ يَبِيعُ الْعِنَبَ وَ التَّمْرَ مِمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَجْعَلُهُ خَمْراً أَوْ سَكَراً فَقَالَ إِنَّمَا بَاعَهُ حَلاَلاً فِي الْإِبَّانِ الَّذِي يَحِلُّ شُرْبُهُ أَوْ أَكْلُهُ فَلاَ بَأْسَ بِبَيْعِهِ (حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج۱۷، ص۲۱۳ باب ۵۹ از ابواب ما یکتسب حرام).

در بحث اعانه بر اثم، مرحوم شیخ انصاری درباره حرمت اعانه بر اثم می‌گوید:

«با توجه به این دلیل و اخبار مشابه آن که متعدد هم هستند حتی به اندازه استفاضه هم می‌رسند بسیاری از فقها این روایات را شاهد گرفته اند بر اینکه در صورتی که شخص قصدی نسبت به اعانه نداشته باشد اعانه بر اثم صدق نمی‌کند در نتیجه با توجه به این روایت برخی از فقها استفاده کرده اند که بحث اعانه بر اثم از عناوین قصدیه می‌باشد» (انصاری، شیخ مرتضی، ١٤١٥، ج ١، ص ١٢٩).

ابن‌اذینه روایت دیگری نیز در این زمینه دارد که در آن، قصد لازم نیست:

قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ؑ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ بَرَابِطَ فَقَالَ لاَ بَأْسَ بِهِ وَ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ صُلْبَاناً قَالَ لاَ (حرعاملی، محمد بن حسن، ١٤١٦، ج١٧، باب٤١، ص١٧٦ از ابواب مایکتسب حرام).

برخی از فقها با توجه به این دلیل و امثال آن، استفاده کرده‌اند که اعانه بر اثم از عناوین قصدیه نیست؛ زیرا حضرت صادقؑ فروش چوب را به کسی که می‌خواهد از آن برای ساخت صلیب استفاده کند، جایز نمی‌دانند. در حالی که بنابر ظاهر روایت، فروشنده قصدی برای کمک به ساخت صلیب ندارد. حضرت صرف فروش چوب به فردی را که می‌خواهد با آن فعل حرام انجام دهد، برای صدق اعانه بر اثم کافی می‌دانند و قصد اعانه را که به فروش چوب ضمیمه شود، لازم نمی‌دانند.

با توجه به شواهد موجود در روایات و برداشت مرحوم شیخ انصاری از آن‌ها، می‌توان گفت یکی از راه‌های فهم لزوم قصد در تحقق عنوان، خود ادله است. بنابراین، باید از ادله احکام فهمید که تحقق موضوع به قصد عنوان نیاز دارد یا خیر.

۴. جزئیات عناوین قصدیه

با توجه به نکات بیان‌شده، لازم است موضوع بحث، یعنی ملاک تشخیص عناوین قصدیه، از چند جهت تبیین شود:

نخست آنکه در تشخیص عناوین قصدیه، هیچ‌یک از ملاک‌های بیان‌شده به‌تنهایی نمی‌تواند همه موارد را تبیین کند. مهم‌ترین راه تشخیص عناوین قصدیه، رجوع به ادله است و ابتدا باید دلیل حکم شرعی را بررسی کرد؛ اما ادله همیشه این مسئله را روشن نمی‌کنند. اگر دلیل بر اجزای موضوع حکم دلالت کند و با مراجعه

به آن معلوم شود که قصد عنوان در تحقق موضوع حکم شرعی دخیل است یا خیر، مسئله روشن خواهد شد.

اما اگر دلیل، موضوع حکم را توضیح و تفصیل نداده و صرفاً عنوانی را بیان کرده باشد، مانند دلیلی که امر به اقامه نماز ظهر می‌کند (صلّ صلاة الظهر) یا دلیل وجوب صوم که عنوان صوم در آن آمده است ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبلِكُم لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ﴾؛ (بقره: ۱۸۳)، باید از راه‌های دیگر استفاده کرد؛ برای مثال، از طریق مشابهی‌بودن فعل. زیرا در افعالی که دو فعل در خارج به یکدیگر شباهت دارند، تنها راه تفکیک این است که شخص با قصد خود مشخص کند کدام فعل مأموربه را محقق می‌کند. همچنین، در مواردی که فعل مأموربه با افعال دیگر مشابهت ندارد، می‌توان با رجوع به عرف یا لغت بررسی کرد که آیا قصد عنوان در تحقق فعل مأموربه شرط است یا خیر.

بنابراین، رجوع به ادله در میان ملاک‌های شناخت عناوین قصدیه اولویت دارد.

دوم آنکه باید روشن شود مراد از قصد در عناوین قصدیه، کدام‌یک از انواع قصود است.

با توجه به توضیحی که در تعریف قصد گذشت، مقصود از قصد در عناوین قصدیه هیچ‌یک از اقسام یادشده نیست؛ زیرا:

قصد قربت به عبادی‌بودن یا نبودن عمل مربوط است. اگر قصد قربت وجود داشته باشد، عمل عبادی و تعبدی است و اگر وجود نداشته باشد، عمل غیرعبادی و توصلی است. در وجوب یا عدم وجوب این قصد، تنها دستور شارع دخیل است: اگر شارع به وجوب قصد قربت امر کند، مکلف باید قصد قربت داشته باشد و اگر چنین امری نداشته باشد، قصد قربت لازم نیست. در حالی که بحث قصد در عناوین قصدیه لزوماً به بیان شارع نیاز ندارد؛ زیرا گاه مولا به قصد عنوان امر نکرده و صرفاً امر به امتثال کرده است، اما مکلف برای اطاعت از مولا باید عنوان را قصد کند. برای مثال، اگر کسی در وقت نافله صبح بخواهد قضای نافله شب را بخواند، برای تحقق عنوان قضای نافله شب باید آن را قصد کند؛ وگرنه نماز او عنوان نافله

شب پیدا نمی‌کند، در حالی که در دلیل مشروعیت قضای نافله شب، امـر مسـتقلی به قصد عنوان نیامده است.

ثانیاً، بحث قصد در عناوین، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، فـارغ از تعبـدیات و توصلیات است؛ بدین معنا که قصد عنوان، همان‌گونه که در تعبدیات معنـا دارد، در برخی توصلیات نیز مطرح می‌شود.

هرچند برخی از فقها قصد تمییز را بر مـوارد عنـاوین قصـدیه تطبیـق کرده‌انـد ـ بدین معنا که هرگاه مأموربه چند عمل مشابه داشته باشد، قصد تمییز یا تعیـین بـرای تفکیک میان افعال و تطبیق مأموربه بـر معنـون خـارجی لازم اسـت ـ ایـن انطبـاق همیشگی نیست. در برخی مـوارد، قصـد تمییـز لازم اسـت، امـا قصـد در عنـاوین قصدیه مطرح نیست؛ مانند نماز ظهر و جمعه که از عناوین قصدیه نیستند، ولـی بـه قصد تمییز نیاز دارند. شخص با قصد اینکه این فعـل معینـاً مأموربـه اوسـت، آن را انجام می‌دهد. در مقابل، گاه قصد در عناوین قصدیه لازم است، مانند بحـث اعانـه بر اثم، اما قصد تمییز لازم نیست.

قصد فعل نیز با قصد در عناوین قصدیه متفاوت است؛ هرچند مرحـوم آشـتیانی در عناوین قصدیه همین قصد فعل را تطبیق می‌کند. قصد فعل، قصدی است که فرد مختار را از فرد غیرمختار در انجام فعل متمایز می‌سـازد. حتـی در عقـود نیـز بـرای تحقق عقد با طیب نفس و نبود اکراه، چنـین قصـدی از سـوی طـرفین معاملـه لازم است. اما قصد در عناوین قصدیه در افعالی مطرح می‌شود که تحقق آن‌ها بـه قصـد وابسته است؛ به عبارت دیگر، قصد در موضوع این افعال اخذ شده است.

قصد وجه نیز، مانند قصد قربت، قرابتی با قصد در عناوین قصـدیه نـدارد؛ زیـرا قصد وجه به تعیین جهت عبادی‌بودن عمل، یعنی وجوب یـا اسـتحباب آن، مربـوط است؛ در حالی که مکلف در عناوین قصدیه، عنوان فعلی را که تکلیف به آن تعلـق گرفته است قصد می‌کند تا عنوان مأموربه در خارج محقق شود.

نکته سوم آن است که در موارد شک می‌توان ادعا کرد اصل، عدم اشـتراط قصـد در تحقق موضوع است؛ زیرا شرط تکلیف، امری زائد است و نسبت به این تکلیف، برائت جاری می‌شود.

جمع‌بندی

عناوین قصدیه، موضوعاتی هستند که ترتب احکام شرعی بر آن‌ها به قصد خاصی از سوی مکلف وابسته است.

اگر وضعیت موضوع معلوم نباشد، از سه طریق می‌توان تشخیص داد که آیا قصد خاص در تحقق موضوع شرط است یا خیر.

راه نخست و مهم‌ترین راه، بررسی خود دلیل است. دلیل شرعی می‌تواند روشن کند که آیا امتثال امر مولا به قصد موضوع وابسته است یا انجام فعل به هر صورت، موجب تحقق موضوع می‌شود.

اگر دلیل شرعی مطلق باشد و در این‌باره بیانی نداشته باشد، می‌توان از طریق مشابهی‌بودن فعل یا فهم عرفی مسئله را بررسی کرد.

فهرست منابع

ـ قرآن

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱٤۲۱ ه.ق. المحکم والمحیط الاعظم، لغت، عربی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علي بيضون.
۲. انصاری محمد علی (خلیفه شوشتری)، ۱٤۱۵. الموسوعة الفقهیة المیسرة. ج ۱، مجمع الفکر الإسلامي.
۳. انصاری مرتضی بن محمدامین، ۱٤۱۵. المکاسب (انصاری - کنگره). ج ۱، المؤتمر العالمي بمناسبة الذکری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري. الأمانة العامة.
٤. آخوند خراسانی محمدکاظم بن حسین، ۱٤۰۹. کفایة الأصول (طبع آل البیت). مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۵. آشتیانی محمدحسن بن جعفر، ۱٤۰۳. بحر الفوائد في شرح الفرائد / طبع قدیم. ج ۱، کتابخانه عمومی حضرت آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله.
٦. بروجردی حسین. تبیان الصلاة، ۱٤۲٦. ج ۵، گنج عرفان.
۷. بروجردی حسین،، ۱٤۱۵. نهایة الأصول. ج ۲، نشر تفکر.
۸. تبریزی جواد،، ۱٤۲۹. تنقیح مباني العروة (الطهارة). ج ۱، دار الصدیقة الشهیدة علیهاالسلام.
۹. حر عاملی محمد بن حسن، ۱٤۱٦. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة. ج۱۷، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۱۰. خمینی مصطفی، ۱۳۷٦. کتاب الصوم (مصطفی خمینی). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم، ۱٤۱۸ ه ق. موسوعة الامام الخوئی، عربی، فقه استدلالی، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۲. رشتی حبیب اللّه بن محمد علی. بدائع الأفکار (الرشتي) (بدائع الأفکار). مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث (با توجه به نسخه نرم‌افزار نور سال نشر ندارد.)
۱۳. سنجری اراکی علیرضا، رسائل فی الاجتهاد و التقلید و قاعده لاضرر و ولایة الفقیه، فقه استدلالی، عربی.
۱٤. شهید ثانی زین الدین بن علی، ۱۳۷۹ ش. رسائل الشهید الثانی، فقه استدلالی، عربی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ۱٤۱۷ ه ق. معجم فقه الجواهر، فرهنگ اصطلاح دائرة المعارف - فقه استدلالی، عربی، بیروت - لبنان.
۱٦. صدر محمد باقر،، ۱٤۱۷. بحوث في علم الأصول (الهاشمي الشاهرودی). ج ۱، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامي.

۱۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۵۲ ش. الميزان في تفسير القرآن، تفسیر اجتهادی جامع ـ تفسیر قرآن با قرآن، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۱۸. قرشی علی اکبر، ۱۳۷۱ ش. قاموس القرآن، فرهنگ واژگان قرآن، فارسی، دار الکتاب الاسلامية.
۱۹. محمد بن مکرم بن علی، ١٤١٤ ق. لسان العرب، لغت، عربی، دار صادر بیروت.
۲۰. مصطفوی، حسن۱۳٦۸ ش. لغتنامه، عربی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چاپ اول.
۲۱. مظفر محمد رضا،، ۱۳۸۷. أصول الفقه (المظفر – تعليقات الزارعي). بوستان کتاب قم (مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامي).
۲۲. منتظری، حسینعلی بن علی، ۱۳۸۴ ش. آیت‌اللّه منتظری، مجمع الفوائد، عربی، اصول فقه ـ قواعد، نشر سایه، قم ـ ایران.